انترناسیونال ٧٣٩

علی جوادی

**حزب و اپوزسیون راست محافظه كار پرو غربی**

**انترناسیونال:** حزب فعالیت های اپوزسیون راست محافظه كار پرو غربی را پیوسته زیر ذره بین قرار داده است. نقد این اپوزسیون راست؛ اعم از نیروهای رژیم سابق نظیر سلطنت طلب و مشروطه خواه، و نیروهایی که خود را جمهوری خواه، دمکراتیک و سکولار مینامند یکی از وجوه فعالیت حزب بوده است. حساسیت حزب از چه رو است؟ چرا فعالیت این نیروها را زیر نقد همه جانبه قرار میدهد؟ حزب در این زمینه چه دستاوردهایی داشته است؟

**علی جوادی:** حزب كمونیست كارگری برای خلاصی توده های مردم كاركن و زحمتكش از چنگال نابرابری ها، محرومیتها و ناملایمات كنونی تلاش میكند. ما برای یك جامعه آزاد، برابر، انسانی و مرفه برای همگان مبارزه میكنیم. ما اعتقاد راسخ داریم كه خلاصی از شر تمامی این مصائب همین امروز ضروری و ممكن است. از نقطه نظر ما، حكومت كارگری و شكل مشخص آن یعنی جمهوری سوسیالیستی، تنها حكومتی است كه میتواند این خواستهای دیرینه توده های مردم را متحقق كند.

اما تصویر همگان، تصویر نیروها و جنبشهای سیاسی، از زندگی مطلوب یكسان نیست. ما در یك جامعه طبقاتی زندگی میكنیم. تاریخ كلیه جوامع تاكنونی تاریخ جدال و كشمكش طبقات استثمار شده و استثمارگر، ستم دیده و ستم گر، و كلا تاریخ مبارزه طبقاتی است. جامعه سرمایه داری این تقابل و كشمكش دائمی را ساده ك و به تقابل دو طبقه اصلی جامعه یعنی طبقه كارگر و سرمایه دار تبدیل كرده است. و این جدال مبنای كلیه كشمكش های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فكری و فرهنگی و حقوقی در جوامع كنونی است. از این رو طبقات و جنبش های اجتماعی متخاصم در جامعه بر سر مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاكم بر جامعه و سهم طبقات اجتماعی از ثروت اجتماعی تولید شده در یك كشمكش دائم بسر میبرند. هیچ عرصه ای از حیات اجتماعی بشر نیست كه مهر این كشمكش را بر خود نداشته باشد. بر بستر این كشمكش دائمی جنبش های اجتماعی پایداری شكل میگیرند و جدال طبقاتی از مجرای این جنبش ها و احزابی كه در هر دوره از خود بیرون میدهند، به پیش برده میشود. در این جدال، اردوی كارگر در كلیت خود نماینده تغییر و تعدیل وضع موجود به نفع توده های مردم محروم و زحمتكش، نماینده آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی و اردوی سرمایه نماینده حفظ وضع موجود و مناسبات سرمایه داری و امتیازات و برتری طبقه حاكم است.

كمونیسم كارگری جنبشی است كه از بطن و اعماق همین جامعه سرمایه داری سر بلند كرده و بیانگر تلاش كارگر و آزادیخواهی برای تغییر وضعیت موجود و شكل دادن به حكومت و جامعه ای متضمن خواستهای دیرینه توده های مردم كاركن و زحمتكش است. در مقابل جنبش ناسیونالیسم پرو غربی خواهان حفظ مناسبات استثمارگرایانه موجود و برتری و سلطه طبقه حاكمه بر سرنوشت و مقدرات جامعه بشری است. امروز این دو جنبش هر دو در مقابل رژیم اسلامی حاكم بر جامعه قرار دارند. و مساله تنها بر سر بود و نبود حكومت اسلامی نیست. هر دو برای شكل دادن و سامان دادن جامعه پس از حكومت اسلامی تلاش میكنند. اما یكی خواهان نابودی رژیم اسلامی و استقرار حكومتی آزاد و برابر و مرفه برای همگان است و دیگری برای كنار زدن حكومت اسلامی و برقراری حكومت بورژوایی پرو غرب و سلطه بلا منازع سرمایه بر تمامی مقدرات جامعه تلاش میكند. یكی خواهان اعاده دوران سپری شده است، دیگری اما خواهان شكل دادن به آینده ای در خور شان و منزلت انسان. امروز این دو جنبش در حین مبارزه با حكومت اسلامی در كشمكشی دائم بر سر آینده و زندگی فردا بسر میبرند. مساله این است كه سرنوشت آتی جامعه اساسا به جدال این دو اردوی عظیم اجتماعی گره خورده است. اینكه سهم ما از آینده چه باشد منوط به این است كه در این جدال سرنوشت كدام جنبش اجتماعی پیروز خواهد شد؟ اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانگرایی یا اردوی سرمایه و افق ناسیونالیستی و پرو غربی؟ حساسیت ما در نقد جنبش ناسیونالیسم محافظه كار پرو غربی و كل جریانات متنوع این جنبش اجتماعی از این جا سرچشمه میگیرد. كدامیك؟ مساله اساسی این است!

آیا جامعه فردا جامعه ای آزاد خواهد بود؟ آزادی های سیاسی بی قید و شرط خواهد بود؟ احدی بخاطر ابراز وجود سیاسی و اجتماعی و نقد تمامی جوانب اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و ناسیونالیستی مورد اذیت و آزار قرار نخواهد گرفت، زندانی نخواهد شد؟ آیا زن و مرد، انسانهای برابر و آزاد خواهند بود؟ زن بودن معادل تبعیض و نابرابری و ستم نخواهد بود؟ آیا بساط ماشین آدمكشی و اعدام در جامعه برچیده خواهد شد؟ آیا انسانها چه به لحاظ حقوقی و چه به لحاظ اجتماعی شهروندان آزاد و برابر و متساوی الحقوق خواهند بود؟ احدی بخاطر جنسیت، تكلم به زبانهای مختلف، محل تولد، تابعیت، رنگ پوست و هر دلیل و بهانه دیگری، تحت تبعیض و ستم قرار نخواهد گرفت؟ آیا مردم حاكم بسر سرنوشت خود خواهند شد؟ یا حكومت نماینده طبقه سرمایه دار در جامعه خواهد بود؟ آیا مردم قادر خواهند بود هر زمان كه اراده كنند، كسانی را كه بر مصدر امور قرار گرفته اند را بدون خونریزی و كشمكش به پائین بكشند؟ حكومت مبتی بر شوراهای مردمی خواهد بود كه خود سیاست گذار و خود مجری سیاستهای خود خواهد بود؟ یا نه؟ یكی قرار است شاه شود و بخاطر خون و تولد در خانواده سلطنتی، حاكم بر سرنوشت و مقدرات جامعه پس از حاكمیت اسلام و دین و خدا شود؟ كدامیك؟ آیا جامعه فردا جامعه ای مرفه خواهد بود؟ همگان مرفه خواهند بود؟ یا رفاه سهم طبقات دارا و ۱ درصدی های جامعه خواهد بود؟ آیا در فردای جامعه اثری از بیكاری و بی خانمانی و بیسوادی نخواهد بود؟ آیا فقر و فلاكت و محرومیت به همراه حكومت اسلامی پایان خواهد یافت یا نه؟ باز هم در بر همان پاشنه خواهد چرخید حتی اگر حكومت اسلامی به زیر كشیده شود. كدامیك؟ آیا فحشا و اعتیاد و سایر بلاهای اجتماعی به همراه حكومت اسلامی شرشان را از سر جامعه و مردم كم خواهند كرد؟ یا نه مانند بسیاری از جوامع سرمایه داری ما همچنان شاهد نابودی زندگی بخشهایی از جامعه خواهیم بود؟ آیا كارگر و توده مردم كاركن كماكان انسان محروم و تهی دست و محروم خواهد بود؟ یا نه، شكاف طبقاتی و مناسبات استثمارگرایانه طبقاتی به همراه حكومت اسلامی سیر زوال و نابودی خود را طی خواهد كرد؟ آیا در جامعه فردا هر انسانی به محض چشم گشودن به جهان موجود از كلیه مواهبی كه تنها و تنها حاصل دسترنج توده های كارگر است به اندازه نیازش بهره مند خواهد شد و به اندازه استعدادش برای رفع نیاز همگان تلاش خواهد كرد؟ یا نه، سهم انسانها به حجم كیف پول و حساب بانكی و موقعیت طبقاتی شان گره خواهد خورد؟ اگر گرسنه اند، اگر فقیرند، اگر محرومند، تقصیر خودشان است، حق شان است. همین است كه هست. باید بسوزند و بسازند. آیا در جامعه فردا كودكان انسانند و منفعتشان مقدم است بر هر منفعت دیگری؟ یا نه، موجودات كوچكتری هستند كه باید برای استثمار و تولید سرمایه داری آماده و مهیا و مطیع شوند؟ آیا در جامعه فردا سالمندان هم انسانند؟ یا نه زمانی كه دیگر نمیتوانند كار كنند به گوشه ای پرتاب میشوند و آب باریكه ای زندگی محقری را برایشان رقم خواهد زد؟ كدامیك؟ آیا جامعه فردا جامعه شاد و زنده ای خواهد بود؟ یا نه، غم و افسردگی و تحجر مغز و روان جوان جامعه را به اسارت خود خواهد گرفت؟ آیا اساس فعالیت اقتصادی در جامعه فردا باید تولید سود و انباشت سرمایه باشد یا رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده انسانها؟ كدامیك؟حساسیت ما در نقد اردوی ناسیونالیسم پرو غربی از این واقعیات سرچشمه میگیرد.

پرسیده اید حزب كمونیست كارگری در این زمینه چه دستاوردی داشته است؟ اجازه دهید فقط به یك دست آورد اشاره كنم. واقعیت این است كه ما توانسته ایم به جامعه، به كارگر به زن به جوان نشان دهیم كه ناچار نیست اسیر گذشته باشد. ناچار نیست از اسارت یك ارتجاع به اسارت ارتجاع دیگری در آید. مختار است. میتواند انتخاب كند. میتواند سرنوشت خود را رقم بزند. میتواند تمام آزادی، تمام برابری، تمام رفاه را طلب كند. ما توانسته ایم این انتخاب را در مقابل جامعه قرار دهیم. ما این دریچه را برای جامعه باز كرده ایم. ما توانسته ایم این افق را در مقابل جامعه قرار دهیم كه آینده میتواند تكرار ملالت بار گذشته نباشد. ما برای اولین بار در طول تاریخ تحولات سیاسی ایران توانسته ایم این چشم انداز را در بطور عملی در مقابل جامعه قرار دهیم. ما توانسته ایم حزبی متشكل از كادرها و اعضایی ایجاد كنیم كه مشغول تلاشی سترگ بر سر ساختن خشت خشت این آینده اند. ما توانسته ایم حزب این ایده آل های بزرگ انسانی باشیم. ما حزب ایده آلهای دلپذیر اما غیر عملی نیستیم. ما حزب ممكن كردن همین امروز آرزوهای بزرگ انسانی هستیم. ما حزبی هستیم كه توانسته ایم توقعات همین امروز بخشهای وسیعی از جامعه را از زندگی و سهم خود از زندگی عوض كنیم. این یك دستاورد چندین ساله تلاش ماست. و اگر دنیا دست ما باشد، زمانیكه حكومت در دست ما باشد، بدون درنگ دست به كار ساختن چنین دنیایی بر ویرانه های حكومت اسلامی خواهیم شد.

در سالگرد حزب كمونیست كارگری همه انسانهایی را كه از وضع موجود بیزارند، سهم خود را از زندگی طلب میكنند، خواهان آزادی و برابری و رفاه همگان هستند، به پیوستن به حزب كمونیست كارگری دعوت میكنم.